

خوشه چیـــــنان

فتح؛ سنگر به سنگر

گزارش نشست انجمن ادبی خوشه چینان وحی، سوره نصر

• فاطمه صادقی قهرودی

سنگر جنگ نرم

یک روز برگه‌ای از طرف مسجد محله آمد دم در خانه‌مان که از پدرم برای شرکت در جلسه شورای محله دعوت کرده بودند. روز موعود کنجکاوانه همراه پدرم به جلسه رفتیم. از در و دیوار محله گرفته تا موش‌های جوی‌ها و نبود امکانات ورزشی و ... حرف زدند و نظر دادند. حاج فتاح مردی حدوداً ۶۰ ساله که تازه به محله آمده بود، مسئولیت شورا را پذیرفته بود. چند ماه از آن جلسه گذشت تقریباً مشکلاتی مطرح شده برطرف شده بود. دوباره جلسه ای گذاشته بودند. باز به جلسه رفتیم. این بار از رونق دادن مسجد محله صحبت کردند. بحث‌هایی شد که مردم انتظار دارند مسجد محل چگونه باشد؟ و ... راهکارهایی ارائه شد و مسلماً اجرایی شد. روزی به حاج فتاح گفتم: «چرا این کارها را می‌کنید؟» گفتند: «بسریم گاهی دوست داری نماد نصرت خدا شوی. نصر خدا یعنی آدم‌هایی در عالم می‌آیند که در دیندار شدن انسانها خدا را یاری می‌کنند.» روز به روز به تعداد صف‌های نماز اضافه می‌شد تا حدی که من که عمر نماز جماعت می‌رفتم، حداقل یک وعده نماز جماعت را در مسجد می‌خواندم. دوباره برگه‌ای از طرف شورا آمد. این بار حاج فتاح جدی‌تر از قبل بود و عزمی راسخ‌تر داشت گفت: «ما به موفقیت بزرگی نائل شدیم و توانستیم خیلی از مردم محل را به مسجد بکشانیم اما از این جا تازه کار ما شروع می‌شود.»

سنگر جنگ سخت

تفنگ‌هایشان را به نشانه پیروزی مدام بالا و پایین می‌برند که بالاخره پیروز شدیم. فرمانده ساکت است هیچ نمی‌گوید. رزمنده‌ها با خود می‌گویند: «خب دیگر جنگ تمام شد از فردا آب خوش از گلویمان پایین می‌رود.» فرمانده موقع اعزام همه به خانه‌هایشان همه را فرا می‌خواند و می‌گوید: «به حول و قوه الهی و نصرت خداوند ما در جنگ پیروز شدیم و من

هر فتحی گشایشی است برای فتوحات بعدی نه ماندن در آن

از این بابت بسیار خوشحالم اما عزیزانم بدانید اینجا آغاز جنگی نو است. به خیال ما جنگ تمام شده است و دشمن به خانه‌اش رفته است اما او در خانه‌اش برای ورود به خانه‌های تک‌تک ما نقشه می‌کشد و ما را آرام نمی‌گذارد. شیطان دشمن انسان است که گاهی خود را به صورت جنگ سخت بر ما تحمیل می‌کند و گاهی به صورت جنگ نرم. بعد از این فتح عظیم ما باید تمامی سعی‌مان را بر کمبودهایی که به وجود می‌آید بکنیم و به فکر سازندگی باشیم. بعد از هر فتحی نباید حرکت را متوقف کرد بلکه باید به فکر سرعت بیشتر بود و گرنه دشمن از همان جایی که ضعف داریم به ما شلیک می‌کند. این فتح خود آستن شرایط و وضعیت‌هایی است که نشان می‌دهد که ما باید سرعت‌مان را هر چه بیشتر کنیم. هر فتحی گشایشی است برای فتوحات بعدی نه ماندن در آن.»

• گنجینه حوامیـــــم، گزارش کلاس تدبیر در قرآن (حمد۲)،

فاطمه‌سادات کاظمی

کاشف! آشنایی با انواع اسلحه، از گردان سلمان فارسی، آیلار صدق آرا

بخوانید! سلاحی نرم برای جهادی نرم!؛ از گردان مالک اشتر، محبوبه علی‌تنه

خانوادگـــــانه

به نرمی کـــــوخ

امیرالمؤمنین(علیه‌السلام):

سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، باز گردانید، که شر را جز

شر پاسخی نیست. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۴

یا دافع کل شر

برگهای زندگی بشر، همواره در بستری از حوادث ریز و درشت و رنگارنگ ورق می‌خورد، انگار که آدم زیر دست و پای این اتفاقات بزرگ می‌شود، جان می‌گیرد و روزگار می‌گذراند. کاری به اتفاقات طبیعی که اساساً امکانی برای تغییر و دخل و تصرف در آنها- حداقل در شرایط معمولی و آزمایشگاهی!- موجود نیست، ندارم اما در دایره روابط و مناسبات میان ما و دیگران، همیشه زمینه رسیدن خیر و شر از جانب مردم به ما فراهم است. فعلاً با خیر و شری که از ما به مردم می‌رسد کاری ندارم، حتی با خیراتی هم که ممکن است از دیگران به ما برسد کاری ندارم، اما اگر روزی روزگاری خدای ناکرده، بنده‌ای از بندگان خدا، خواسته یا ناخواسته، از دستش در رفت و شری به ما رساند، واقعاً باید با او چه کرد؟ در طول تاریخ و در میان ادبیات رسمی و نیز فرهنگ عامیانه ما، البته راهکارهای مختلفی برای مواجهه با این مسأله ارائه شده است؛ از «ما را به خیر تو امید نیست ...» گرفته تا «زدی ضربتی، ضربتی نوش کن» و از «خون را با خون نمی‌شویند» تا «کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است».

این کلام حضرت(علیه‌السلام) که «شر را جز شر پاسخی نیست»، متشابه است

من اصولاً هیچ کاری به این ندارم که نگاه عامیانه و در مواقع نادر عالمانه، در این مقوله چه افق‌هایی را ترسیم می‌کند اما اگر سری به گفتار نورانی امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) بزنیم، چند نکته به اختصار دستگیرمان می‌شود:

۱. این کلام حضرت(علیه‌السلام) که «شر را جز شر پاسخی نیست»، متشابه است و لازم است پیش از هر نتیجه‌گیری و قضاوتی، محکّمات کلام مولا دیده شود. ۲. از محکّمات این کلام، می‌توان آیات ۹۶ سوره شریفه مؤمنون و نیز ۳۴ سوره مبارکه فصلت را مورد اشاره قرار داد که مضموناً این پیام را در بردارند که: «همواره به نیکوترین وجه پاسخ بده». ۳. حضرت در روایتی دیگر چنین می‌فرماید که: «عقل در این نیست که از بین خیر و شریکی را انتخاب کنیم، بلکه عقل این است که بین دو شر، بهترینش را برگزینیم.» این بدان معناست که اگرچه پاسخی که به شر داده می‌شود، ممکن است خود شر باشد اما چون شر قبلی را متوقف می‌کند، «احسن» است و دافع شر قبلی.

بنابراین چه بسا به اقتضای شرایط لازم باشد شری با احسنی دفع شود که آن احسن، خودش از جنس شر است. ۴. باید بین «شر» اول و «شر» دوم تفاوت قائل شد که «شر» اول از جنس «سئئه» است و دومی از جنس «احسن».

بگذریم، باقی خیرها و شرهای رد و بدل شده بین ما و دیگران هم بماند برای فرصتی دیگر، اگر عمری باقی باشد.

- سرمشق ادب از خلیل خداه، بررسی نکات و دقایقی از دعا از منظر قرآن، کلاس استاد رحیمی، یکشنبه ۲۰ آذر، آثار رضائی
- برائت بالاثّه برنلمه جامع، از گردان سلمان فارسی، آیلار صدق آرا

صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت، مدیر مسئول: فاطمه قنبریان سردبیر: نعیمه پورصالحی، هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

www.Kashef.goo.ir | KashefNews@Live.com

سال اول

برای عضویت در انجمن ادبی خوشه چینان وحی
نام خود را به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۳۹۴۹ پیامک کنید
برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف
نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره
۰۹۱۹۳۱۰۳۹۴۹ پیامک کنید

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خیری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

کاشت

به نام ســــــــــــــــلام

پشتیبانی (لجستیک) در جهاد نرم

- کاظم رجبعلی**

هنوز به خاطر دارم که سال‌ها پیش، اون موقع که به جهت سن و سال کوچک‌ترین عضو مجموعه در مسجد و پایگاه به حساب می‌اومدم، - والبته این کوچکی در ابعاد دیگر همچنان وجود دارد- بعضی بزرگ‌ترها که اکثراً جبهه رفته هم بودند، در مجموعه حضور و نقشی ویژه و خاص داشتند. نقشی فارغ از مسئولیت مستقیم اما کاملاً موثر. مفهوم حرقم، این نیست که الان چنین نقشی رو نداشته باشند، بلکه دارم از درِچه گذشته موضوع رو بررسی می کنم. بیشتر اون‌ها شاید ظاهراً مسؤوِلیتی نداشتند، اما حضورشون وزن خاصی به مجموعه می‌داد. اونقدر که کوچک‌ترین کارها و مسؤوَلیت‌ها هم با وجود اون‌ها مهم جلوه می‌کرد. خلاصه که حالی وجود داشت؛ فضا گرم و پرحرارت بود؛ حتی برخی ناملایمتی‌ها و دلخوری‌ها و دعو‌ا‌ها هم نشان از این حرارت و پویایی داشت.

اون موقع و در اون فضا من متوجه این حرارت نبودم. بعدها که به دلائلی محیطم عوض شد و خودم را در مجموعه دیگری یافتم متوجه خلئی در محیط تازه شدم. یعنی نبودن وزنه‌هایی که بودن اون‌ها توی جمع قیمت مجموعه رو بالا

پشت پنجره

نقش زن، در یک خانواده توحیدی

کلاس ختم مفهومی قرآن، استاد اخوت، شنبه‌ها، سوره مبارکه نساء

- فهیمة جوادی**

در شماره پیش، خانواده به عنوان یک رَجم معرفی شد که بستر را برای رشد و کمال افراد در درون خود، آماده می‌سازد.

برای بررسی بهتر کارکرد خانواده در نظام توحیدی، می‌توان سه مؤلفه‌ی اصلی را در ساختار

زنانی که ویژگی بارز آنان، اطاعت و عبادت الهی است، استعدادی ویژه برای ارتباط با غیب و دریافت‌های ملکوتی، پیدا می‌کنند.
--

خانواده، مورد مطالعه قرار داد:

۱) نقش‌ها در خانواده: مهم‌ترین و مبنایی‌ترین نقش‌ها در خانواده، نقش زن و مرد است که سایر نقش‌ها از تعامل و ارتباط این دو نقش با هم شکل می‌گیرند.

۲) روابط نقش‌ها در خانواده: مهم‌ترین رابطه در خانواده، رابطه‌ی زوجیت است که سایر روابط، حول این رابطه، برقرار می‌شوند.

۳) بستر روابط خانوادگی: مرکزی‌ترین و حیاتی‌ترین بستر خانوادگی که در قرآن معرفی شده است، بیت می‌باشد.

آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، به زیبایی، بخش مهمی از نقش زن و مرد در خانواده را توضیح می‌دهد.

سه شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۰ سال اول ۳۱ شماره ۲۴ محرم ۱۴۳۳

هم رد بشم و ببینم مجموعه یا جریانی ارزشمند و بهره‌مند از حق وجود داره تردید نمی‌کنم در حمایت کردنم، اصلاً چشمم نسبت به چنین جریان‌هایی حساس شده و سرم درد می‌کنه برای تقویت اون‌ها...

با ذکر این خاطره خواستم ابعادی از پشتیبانی لجستیکی رو در جهاد نرم معرفی کنم، جنس پشتیبانی گفته شده یک پشتیبانی معنوی بود که اقسام دیگری هم داره، مثلاً ممکنه عده‌ای توی جمع باشند که طهارت و معنویتشون سرمایه‌ای برای حرارت یا حیات جمع باشه، گاهی افراد دارای سن و سال، سرمایه حیات برای یک جمع هستند، گاهی نیز این پشتیبانی، ابعاد علمی پیدا می‌کنه و وجود کسانی که بتونند پژوهش بکنند و ظاهراً هیچ نقش دیگه‌ای هم نداشته باشند یک سرمایه محسوب میشه، جلوگیری از انحراف و جهت دهی مناسب زاویه‌ای دیگه از پشتیبانی لجستیکی در جهاد نرم محسوب میشه. به ویژه حضور در جمع و واکنش با نشاط به برنامه‌ها و عصم‌لیاست‌ها هم نوعی پشتیبانی از جریان حقه. باید طوری با اشتها با نعمت‌های الهی برخورد کرد که ذائقه دیگران هم تحریک بشه. نتیجه مهم اینه که چشممون حساس باشه تا تقویت‌صکننده جریان‌های حق باشیم حتی اگر نسبت به اون‌ها نقد هم داشته باشیم.

امام سجاد (علیه‌السلام) فرمود: «اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شیعتنا العاهة و جعل قلوبهم کزبرالحدید و جعل قوّة رجل منهم قوّة اربعین رجلاً و یكونون حکام الارض و سنامها»(مشکاةالأنوار،ص۹)

در این آیه کریمه، سه ویژگی مهم برای زنان، مورد تأکید است. الف- صالح بودن ب- قنوت(قانت بودن) که به معنای خضوع و اطاعت است؛ ج- حافظ غیب بودن؛ این دو ویژگی آخر، در حیثیت ظاهر به ولایت‌پذیری زن نسبت به مرد و در حقیقت به ارتباط او با غیب و دریافت‌های ملکوتی مربوط می‌شود. این ارتباط، صرفاً با اطاعت و عبادت الهی به دست می‌آید. در واقع، زنانی که ویژگی بارز آنان، اطاعت و عبادت الهی است، استعدادی ویژه برای ارتباط با غیب و دریافت‌های ملکوتی، پیدا می‌کنند. نقشی را که یک بانوی موحد در خانواده‌ای توحیدی دارد، می‌توان به پرواز یک دیده‌بان، تشبیه کرد. دیده‌بانی که در اوج پرواز می‌کند؛ قله ها را می‌بیند؛ راه‌ها را می‌سنجد. فرد می‌آید و هر آنچه را دیده است، به عنوان نقشه‌ی فتح الفتوح قله، به همسرش می‌رساند؛ این فرایند، یعنی صالح بودن زن در خانواده.

طبیعی است که بانویی با این ویژگی‌ها، به طریق اولی، در ولایت‌پذیری نسبت به همسرش و حفظ حقوق و اسرار او در غیابش، فرد باتقوایی است.

آقای ما، آقای آنها!

از گردان سلمان فارسی

- هانی چیت‌چیان**

تا به حال سوره مبارکه کافرون را خوانده‌ای؟ حتماً برایت مهم شده است به حکم فروع دین و یا همین عمل به سوره کافرون برائت سفت و سختی داشته باشی از همه آنچه کفر و شرک و پلیدی است. اما باید بدانی که برائت هم برای خود قاعده و قانون دارد.

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خیری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

کاشت

۱. باید در عمق باورهایت برائت داشته باشی، حساب کوتاه نیامدن و لج‌بازی کردن نیست، اصلاً خدا و غیر خدا، حکم هست و نیست را دارند که امکان جمع شدن میان آنها وجود ندارد. تو از جمع شدن دو نقیض اعلام برائت می‌کنی، نه اینکه نخواهی، اصلاً قابل جمع نیست. تو باید به این حقیقت باور قلبی داشته باشی.

۲. باور کافی نیست، باید برائت تو از سینه‌ات خارج شده و ابراز پیدا کند.

۳. طبیعتاً برای یک ابراز کامل و درست باید همه ویژگیهای موقعیت را در نظر گرفت. پس برائت همیشه داد زدن نیست، گاه یک لحن آرام از هزار داد و بیداد کاربردی‌تر است. به یاد داشته باش که هر یک از اهل‌بیت عصمت و طهارت(علیهم‌السلام) سوره کافرون را خوانده

برای دور کردن و یا نفی کردن هر اعتقاد و مسلکی، باید برنامه عملی جایگزین داشت

و به آن عمل کردند اما بروز برائت هر کدام در دوران خود با دیگری تفاوت داشت. پس برای برائت باید موقعیت را خوب شناخته و به ابزار جهاد نرم کاملاً مسلط بود.

۴. برای دور کردن و یا نفی کردن هر اعتقاد و مسلکی، باید برنامه عملی جایگزین داشت، نمی‌توان در نحوه زندگی مردم در عرصه‌های مختلف اعلام برائت نموده اما به جای آن برنامه‌ها، جایگزین مناسب و درستی ارائه نکرد.

پس برای برائت از سبک زندگی غلط، یا نحوه تحصیلات و تربیت غلط، باید نظام تربیتی، آموزشی و فرهنگی سالم را تولید کرد، برای همین پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) با ارائه دین خود، از دین کافران اعلام برائت می‌کند.

یادت باشد وظیفه امروز من و تو تبیین این دین و نظام جامع است، و تا این نظام تولید و ارائه نشود، امام زمان نمی‌تواند از جریان کفر یک اعلام برائت جامع و همه‌جانبه داشته باشد، اگر هم کاری داری، یا وقت نداری یا عزم‌ت کافی نیست و یا اصلاً این کار اولویت تو به حساب نمی‌آید ناراحت نباش؛ خداوند قومی را به جای تو می‌آورد که هم آنها خدا را دوست دارند و و هم خداوند آنها را دوست دارد. ظهور به دست همان‌ها محقق خواهد شد. تو همچنان ندا بده: آقا بیا! پس تو آقای خودت را بخوان و آنها هم آقای خودشان را! هم خداوند آنها را دوست دارد. ظهور به دست همان‌ها محقق خواهد شد. تو همچنان ندا بده: آقا بیا! پس تو آقای خودت را بخوان و آنها هم آقای خودشان را!

مراقب صفات نیک خود باش!

نکاتی برگرفته از مباحث رشد استاد غفرانی

- نگرس ضرغامی**

وقتی رشد کردید، صفت پیدا می‌کنید و باشخصیت می‌شوید. شخصیت؛ یعنی صفت‌های شما؛ صفت‌هایی که در خودتان مراقبت می‌کنید. صفت را کسب نمی‌کنید، بلکه صفت باید از شما استنباط بشود. مثلاً وقتی شما هر چیزی را سر جایش می‌گذارید، صفت نظم را در شما استنباط می‌کنیم. البته این نظم نیاز به مراقبت دارد. حدیث شریف «النظافة من الایمان»، درباره کسی صدق می‌کند که دائماً مراقب است. به طور مثال وقتی کفش نو می‌پوشیم، دائماً حواسمان به آنهاست که مبادا یک ذره خاک روی‌شان بنشیند، چه برسد به اینکه پایمان را در گل بکنیم. شخصیت یکی از آن صفت‌هایی است که با مراقبت آن را در خود به ظهور درمی‌آوریم. وقتی بچه به دنیا می‌آید، نه صادق است، نه کاذب، نه کافر است، نه مؤمن، نه مشرک است، نه مسلم، نه فاسق است، نه فاجر، نه جزء ابرار است و نه جز فجار، نه گران فروش است و نه عادل، بلکه بعداً باید مراقبت کند و صفات را در خود به ظهور برساند. طلحه و زبیر تا روزی که مراقبت دارند، وضعیتشان خوب است. همین‌که

سه شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۰ سال اول ۳۱ شماره ۲۴ محرم ۱۴۳۳

مراقبتشان که از دست می‌رود جزء منافقین، فاجرین و فاسقین می‌شوند.

همه ما این لیاقت را داریم که صفات خدا را از خودمان تجلی بدهیم. درست مثل آیینـــه. آیینـــه اگر رو به نور باشد، از آن، نور، صفات نوری تجلی پیدا می‌کند و اگر پشتش به نور باشد، تاریک است. پس من و شما مثل آیینـــه هستیم. اگر رو به خدا باشیم، چون خدا «له الاسماء الحسنی» است، ما هم تجلی اسمای الهی می‌شویم. ولی وقتی کسی کافر شد، مشرک شد، منافق شد، فاسق شد و به عبارت دیگر، ظالم شد؛ یعنی به نور، حق، نعمت و رحمت (هر چیزی که از جنس حق است) پشت می‌کند. ظلم عامل ظلمت است. ظالم کسی است که در ظلمت است؛ یعنی کسی که ظلمت را برای خودش فراهم کرده است. در واقع مشرک، کافر، منافق و فاسق، دارند به خودشان ظلم می‌کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: کافرین همان ظالمین هستند. پس صفت‌ها در ما ریشه‌دار نیستند و به مراقبت دائمی نیاز دارند. تا دیروز حر آن طرفی بود، بعد خواست، لذا رویش را کرد این طرف (سمت نور)، خدایی شد و صفات زیبا و

صفات‌ها در ما ریشه‌دار نیستند و به مراقبت دائمی نیاز دارند

فضایل از او بروز کرد. تا دیروز رذایل ازش سر می‌زد. حالا شد صاحب فضایل و ... حر شد. سؤال: تا چه اندازه مراقب صفات نیک خود هستیم؟ و آیا آیینـــه وجودی ما دائماً رو به نور است یا اینکه توجه ما به آن همیشگی نیست؟

انتخاب معیار تا ... هدایت

کلاس پرورش تفکر قرآنی، آقای دژبخش، دوشنبه‌ها

- مریم کریمی**

همه ما می‌خواهیم در زندگی به موفقیت برسیم و همه می‌دانیم فکر کردن نمی‌شود به موفقیت رسید. کلی وقت می‌گذاریم و فکر می‌کنیم و برنامه می‌ریزیم... اما گاهی آخرش به نتیجه دلخواه نمی‌رسیم. چه می‌شود که این طوری می‌شود؟

اساتید پاسخ می‌دهند تفکر وقتی نتیجه مثبت دارد که طبق اصول انجام بشود. باید روش درست فکر کردن را بدانیم و توانایی تحلیل موضوعات را داشته باشیم تا راه رسیدن به چیزی را که می‌خواهیم پیدا کنیم.

یکی از مواردی که روی تفکر تأثیر مستقیم و متقابل دارد معیار است. یعنی هم معیار روی مدیریت تفکر تأثیر دارد و هم تفکر روی انتخاب معیار اثر می‌گذارد.

هم معیار روی مدیریت تفکر تأثیر دارد و هم تفکر روی انتخاب معیار اثر می‌گذارد.

حالا معیار چیست؟ -- «معلوماتی که توجه به آنها قبل از به کارگیری قوه تفکر لازم است. نمونه‌اش حضرت ابراهیم(علیه‌السلام) که به سبب اخلاصی که داشتند خداوند ریه‌ای از صالحین به ایشان عطا کرد و آنان را بر جهانیان برتری بخشید و هدایت کرد.

ببینیم باید چه کنیم: با استفاده از معیارهای کلی منفعت را تعیین می‌کنیم؛ علم اجمالی نسبت به آن به‌دست می‌آوریم (مهم: بدون علم اجمالی ممکن است مسیر را اشتباه انتخاب کنیم)، با تفکر و قرار گرفتن در بستر حوادث و اتفاقات به فهم تفصیلی نفع و ضرر می‌رسیم. این قوانین برای سعادت همه بشر طراحی شده است، حالا ما بخواهیم برای زندگی روزمره‌مان ساده‌اش کنیم، چطوری می‌شود؟